

کاریکاتوری از خانواده ایرانی

برایند تصویری که سریال های شبکه نمایش خانگی از نهاد خانواده ارائه می کند هیچ شباهتی با مختصات واقعی آن ندارد



عکس تانینیا است

سیده مصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده

اگر شوهر یا فرزند شما توسط یک گروه آدم‌رای خشن ربوده شود چه می‌کنید؟ اگر هوس سفر با دوستان تان را داشته باشید و همسر تان اجازه ندهد چه می‌کنید؟ در کل وقتی تلویزیون سریال جذاب با بازیگر مطرح ندارد، چه می‌کنید؟ جواب دو سوال اول باشد برای بعد. اما برای سوال سوم باید بگوییم با این وضعیت تلویزیون که سریال‌هایش دیگر خیابان خلوت کن نیست شبکه نمایش خانگی پر مخاطب شده و درست دست‌روی‌عنصری برای جذابیت گذاشته است که در تلویزیون کمتر می‌بینیم. بازیگران سرشناس و فیلم‌نامه‌های متفاوت که کمتر روی آموزش‌ده بودن تاکید دارند و ترجیح می‌دهند مخاطب را سرگرم کنند که این موضوع هیچ عیبی هم ندارد. اما مشکل این جاست که سود سرشار سریال‌سازی با جذب مخاطب نباید مسیر را برای تولید هر محتوایی هموار کند. آموزش‌ده نبودن و سرگرم بودن صرف، بد نیست؛ اما برایند سریال‌های شبکه نمایش خانگی از خنثی بودن در محتوا به سمت اشاعه محتوای نامناسب رفته است. تازه‌ترین سریال شبکه نمایش خانگی «ریکاوری» است، سریالی که تنها دو قسمت از آن پخش شده است؛ هر چند تماشای دو قسمت برای نقد و بررسی یک اثر کافی نیست اما در همین دو قسمت اشکالات فرمی و محتوایی عجیبی به چشم می‌خورد که جای تعجب

کوتاه‌دباره کلیت تصویری که سریال‌های شبکه نمایش خانگی از خانواده ارائه کردند

ر قص عاشقانه نهنگ روی شیشه!

بررسی جزئیات سریال‌هایی مثل «آشوب»، «احضار»، «عشق تعطیل نیست» و «گلشیفته» از حوصله یک پرونده خارج است. برای همین در ادامه مطلب، معروف‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی را که تصویر پراغراق یا غلطی از سبک زندگی ایرانی ارائه دادند، بررسی می‌کنیم. با این توضیح که قرار نیست هر سریالی یک تصویر دقیق و واقعی ارائه کند اما اگر برایند تمام سریال‌ها را امروز کنیم به این نتیجه می‌رسیم که با جامعه‌وبه‌خصوص نهاد خانواده در تضاد است.

ممنوعه! شیرتوشیر: پدر و مادر بر که با علم به این که سامی‌فردمناسب دخترشان نیست اجازه می‌دهند رابطه این دو نفر ادامه داشته باشد. پدرخوانده سامی بازن برادرش رابطه داشته. همسر سابق سامی هنوز عاشق سامی است اما با موادفروشی به نام‌دنی هم رابطه دارد. البته سریال سعی کرد در پایان بعد از نمایش جذابیت‌های کاذب برای فروش عواقب یک سری رفتارها را هم نشان دهد.

رقص روی شیشه! دورهمی بی‌خانواده‌ها: سریال با چندنریشن عجیب ماست مالی شد اما عجایب زیادی داشت، به‌طور مثال شوهر که آدم عاشق پیشه‌ای است همسرش را بعد از سقط جنین رهامی کند تا از دست طلبکارها مخفی شود اما به محض این که می‌فهمد همسرش یک نقش سینمایی را قبول کرده ظاهر می‌شود تا زنش را جلوی جمع خراب کند. ادریس به همسرش خیانت عاطفی می‌کند. شوهر دریا همسرش را با یک مرد قمارباز و هوس باز در خانه تنها می‌گذارد. شخصیت ماکان هم با خانمی همسن مادرش در ارتباط بود!



قرار نیست هر سریالی در شبکه نمایش خانگی تصویر دقیق و کاملی از جامعه به‌خصوص نهاد خانواده ارائه کند. بنا نیست هر سریال پر از پیام اخلاقی باشد که مثل تبلیغات تلویزیونی از دل داستان بیرون می‌زند تا به مخاطب مثل یک دانش‌آموز درس زندگی بدهد. اصولاً یکی از بزرگ‌ترین ایرادهایی که به سریال‌های تلویزیون وارد است این است که شخصیت سریال‌های رسانه ملی در بسیاری از اوقات کاملاً به سیاه و سفید تقسیم می‌شوند. شخصیت خاکستری نداریم، بایک نفر اثر بقیه را بالا کشیده و خیلی آدم‌بدی است یا در برابر نامردی سکوت کرده و جواب‌بدی را با خوبی داده و آدم خوبی است. خبر هر آدم خوبی در زندگی واقعی اشتباهاتی دارد

دارد. شخصیت اصلی سریال مدیرمسئول یک هفته‌نامه است که از فرجام برجام تا یادداشت علیه فساد اقتصادی در آن چاپ می‌شود، از طرفی همکارش ۵۰ میلیون از یک خواننده گرفته تا عکسش را روی جلد چاپ کند، خلاصه معلوم نیست با یک هفته‌نامه جدی‌ووزین و دغدغه‌مند طرفیم یا یک نشریه زربازاری؟ هفته‌نامه فقط سه کارمند دارد و یک دفتر لاچپری. اما این‌ها هیچ کدام موضوع این پرونده نیست؛ ما چرا این است که جناب مدیرمسئول با آن سطح از دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی و... برای آن که همسر عاشق پیشه‌اش را به اصطلاح پیپچاند و با رفقایش در سفر کیش «ریکاوری» کند، نقشه عجیبی طراحی می‌کند. چند آدم‌رای خشن او را پیش چشم همسرش می‌دزدند و تاکید می‌کنند نباید به پلیس اطلاع بدهد. همسر و پدر مدیرمسئول ربوده شده که از نقشه‌اوبی‌خبرند به‌جای اطلاع دادن به پلیس ساندویچ و پیتزا سفارش می‌دهند و دعوا راه می‌اندازند که پول و سرمایه زندگی حاصل تلاش کیست و... این تصویر تخت و مضحک از آدم‌ها و روابطشان فقط و فقط محدود به «ریکاوری» نبود. «رقص روی شیشه»، «ممنوعه»، «نهنگ آبی»، «عاشقانه» و... هر کدام به نوعی تصویری از جامعه ارائه دادند که تناسبی با واقعیت موجود در آن نداشت. در این پرونده سراغ جوانب مختلف این موضوع می‌رویم.

ریکاوری در ۲ قسمت

کوتاه‌دباره رفتارهای عجیب شخصیت‌های اصلی «ریکاوری»

بنا نیست در این مطلب جنبه‌های سینمایی سریال «ریکاوری» را بررسی کنیم که خود آن یک پرونده میسوطرآمی طلبید اما در حد همین دو قسمتی که پخش شده است رفتارهای شخصیت‌ها را بنا به همان اهمیتتی که در مطلب پایین صفحه گفته شد، بررسی می‌کنیم. با ذکر این توضیح که ممکن است یک شخصیت در قسمت‌های بعدی متنبه شود، تغییر کند، بهتر یادبتر شود اما در همان دو قسمت باید باور پذیر و دقیق باشد.

بابک پوریا پورسرخ	
 <div>مدیرمسئول یک نشریه عجیب غریب که منزلش در حد فعالان وال استریت است. مردی که همزمان علیه فساد اقتصادی مطلب می‌نویسد و بدون توجه به نگرانی و احساسات همسرش، برای رفتن به کیش با رفقاو دیدار عشق سابق نقشه آدم‌ربایی خودش را می‌کشد. بعد هم که می‌فهمد همسرش نگران است در حال خوش گذرانی است و برای این که حلقه از دواش را قبل دیدار با عشق سابقش در دست‌کندرت دیدارد. عشق سابق هم که طبق معمول از خارج برگشته تا آتش عشق کهنه را شعله‌ور کند و سریال بفروشد. تصویری جالب از شوهر ایرانی از نوع روشنفکرش!</div>	
سهیل مجید واشقانی	
 <div>کلاش، شوه‌بگیر، نامزدش بچه‌پولدار است برای همین تبدیل به نوچه‌پدرخانم آینده‌اش شده است. آرزو نزل دادن هست. عصبی و تندخو اما به وقتش زبان باز. در کل هومن سیدی در «عاشقانه» و «گلشیفته» و مهرداد صدیقیان در «رقص روی شیشه» این جابه این شکل تکرار شده است.</div>	
پدر بابک عزت‌ا... مهرآوران	
 <div>پولدار است و موفق. سرمایه زندگی پسرش را داده اما زود پس گرفته است. نه با وصلت پسرش با عشق اولش موافق بوده نه با ازدواج پسر با برادرزاده‌اش. بعد از پنج سال به خانه پسرش آمده تا ببیند ماجرای آدم ربایی چیست؟ فیلم‌ها را از نگهبان</div>	

چرا با موضوع مهمی سروکار داریم؟

و هر آدم‌بدی هم ممکن است نکات مثبتی داشته باشد. ماجرای تحولات یکپوئی شخصیت‌های منفی در سریال‌های تلویزیونی هم که جای خود. اگر قرار است سریالی را دنبال کنیم تا براساس رفتار شخصیت‌ها، موقعیت‌هایی را تجربه کنیم که در آن‌ها زندگی نکرديم باید شخصیت‌ها واقعی باشند. اما هر چقدر تصویر آدم‌های خوب در سریال‌های تلویزیونی با ستوریزه و اغراق شده است در سریال‌های شبکه نمایش خانگی با شخصیت‌های اصلی مواجه ایم که همذات‌پنداری مخاطب را جلب می‌کنند و مخاطب

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۹۸
 ۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۰ • ۲۹ جولای ۲۰۱۹
 شماره ۲۰۱۵۸

۱۳۸۱

تهیه‌کننده «ریکاوری» در گفت‌وگو با ماز آدم‌های سریالش می‌گوید

ما در جامعه بسیاری از این خانواده‌ها داریم!

ماز یار حكاك | خبرنگار



«جمال گلی»، تهیه‌کننده سریال ریکاوری است که در آثاری همچون فیلم سینمایی «به وقت خماری»، سریال تلویزیونی «بزم آخر» و «سه جلد» فعالیت داشته است. باتوجه به موضوع پرونده به سراغ او رفتیم تا از ریکاوری برای مان بگوید.

به نظر خودتان این خانواده‌هایی که در سریال شما می‌بینیم زیادی اغراق شده‌و نا درستند؟

در زندگی مشترک تایک جایی زن و مرد شیر ااطر تحمل می‌کنند از یک جایی به بعد مثل فتری که فشرده شده از جادر می‌روند. زندگی نیاز به تعادل و تفاهم دارد. در این سریال اگر زن بیش از حد روی همسرش فشار نمی‌آورد یا اگر مرد قدرت استدلالش بالا بود متوجه می‌شد لزومی ندارد به چنین سفری برود که بخواهد با همسرش به مشکل بخورد و این اتفاقات نمی‌افتاد. سریال می‌گوید؛ تفاهم را باید به عنوان اصل اول قرار داد. اگر تفاهم نباشد آدم‌ها ناگزیر به فریبکاری و دروغ و پنهان‌کاری می‌شوند. ما در سریال به هر دو طرف داریم می‌گوییم شما هر دو باختید. چه تویی که احساس کردی با فشار آوردن روی همسرت سعی در کنترل زندگی داشتی، چه تویی که سعی کردی با دروغ‌گویی و فریبکاری همسرت رو فریب بدی و به سفر بروی. شما وقتی به آدمی دائمی الخمر یا بوالهوس تبدیل‌یا به بیماری دروغ گفتن دچار می‌شوید، این‌ها وقتی می‌آید، ناخودآگاه مراقبت خدا از زندگی این آدم‌ها دور می‌شود، افراد خودسر می‌شوند. اگر این آدم‌هایی که در قصه ما بودند سر سوزن آدم‌هایی بودند که توجه می‌کردند به مبانی سبک زندگی اسلامی هیچ کدام زندگی‌شان به این‌جا نمی‌رسید. ما در جامعه بسیاری از این‌ها داریم. ما به‌طور ساده می‌خواهیم بگوییم اگر خدا را از زندگی دور کنید، دچار این ناهنجاری‌ها می‌شوید.

به نظر شما چقدر قصه سریال «ریکاوری» در جامعه ما مصداق دارد و مطرح آن لازم است؟

به نظر من زمانی که اثر، نمایش داده می‌شود الزاماً نباید اتفاقات در جامعه به غلطی ر سیده باشد که بگوییم مصداق دارد. مثلاً در مقطعی که ایمن در کشور ما نسبت به جهان خیلی آمار کمتری داشت سریال و فیلم... در باره بیماری ایدز ساخته می‌شد، خب طرح این گونه مسائل جنبه پیشگیرانه دارد. در باره قصه سریال خود هم نمی‌گویم آن قدر زیاد بوده که ما سراغش رفته‌ایم بلکه این کار به نوعی رفتار پیشگیرانه است در باره آدم‌هایی که خلاف عرف و اخلاق و اجتماع رفتار می‌کنند. اما این که چرا این آدم تصمیم می‌گیرد آدم‌ربایی کند یا لارخه‌ربای شروع یک‌قصه، برای این که درامی شکل بگیرد تا ناگزیریم یک چیز را بگذاریم. می‌گردیم دنبال یک چیز جذاب و با کیفیت که مخاطب را راضی و هیجان‌زده کند. این طراحی در اماتیکتی است که می‌خواهد به جذابیت قصه بیفزاید.

ما بابک را ادر قصه آدم‌روشنفکری می‌شناسیم که برای خودش اصولی دارد، چطور ممکن است چنین آدمی چنین نقشه نا جوانمر دانه‌ای را طرح‌ریزی و اجرا کند؟

من بابک را روشنفکر نمی‌دانم. من روشنفکر را جور دیگری معنی می‌کنم. شخصیت ما روشنفکر نیست بلکه در روابط کاری خودش سلامت کاری دار اما بابک در زندگی شخصی‌اش به خاطر رفتار همسرش که همان سخت‌گیری و فشار زیاد است به فریب کاری و دروغ‌گویی می‌افتد.

انتقاد دیگری که به سریال شما یا بعضی سریال‌های مشابه وجود دارد، این است که گفته می‌شود نشان دادن روابط از آدانه با جنس مخالف ممکن است

باعث آسیب‌هایی در جامعه بشود، نظر شما در این باره چیست؟

من به عنوان یک تهیه‌کننده که ادعا دارم آدم‌دین‌داری هستم و در حوزه فرهنگ دغدغه دارم به هیچ عنوان نمی‌پذیرم که سریال من مروج آزادسازی روابط باشد. آدم‌های سریال من کاملاً در چارچوب روابط شروع قرار دارند. به همین علت است که شورای عالی فضای مجازی سریال من را تایید می‌کند و قابل ارائه در «آی فیلم» تشخیص می‌دهد. حتی این سریال در تلویزیون هم قابل پخش است.

در بیشتر سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی می‌بینیم شخصیت‌ها زندگی لاچپری دارند، به نظر تان این با وضع جامعه همخوانی دارد؟

ما هر وقت درباره زندگی قشر مرفه‌تر جامعه سریال می‌سازیم این حرف وجود دارد. وقتی هم در باره افرادضعیف جامعه سریال کم‌دی می‌سازیم، افراد پایین دست جامعه اعتراض می‌کنند که ما را اسباب خنده خودشان قرار داده‌اند. از آن جایی که زندگی لاچپری کمتر در جامعه وجود دارد و خیلی از افرادی نتوانند تجربه‌اش کنند، زیبایی‌ها و ظواهری دارد که از طریق تماشای سریال، آدم‌های مختلف جامعه می‌توانند شرایط آن قشر دیگر جامعه را هم ببینند.

مقوله تأثیرپذیری و انعکاس واقعیت‌ها و در مان در ده‌های جامعه و هشدار در باره ناهنجاری‌ها و... به کنار، اگر بخواهیم بر اساس پرمخاطب‌ترین سریال‌های تلویزیون و شبکه نمایش خانگی روزگار مردم در این دهه را تحلیل کنیم کدهای سریال‌های تلویزیونی می‌شود یک عده آدم بدبخت با سر گذشت‌های تلخ که همگی یک آدم بد خانواده دارند تا بدبخت‌شان کند و بر اساس سریال‌های شبکه نمایش خانگی هم با مردمی طرفیم که کمابیش غم‌دنیان دارند، زندگی‌شان به جای معیشت و... حول موضوعاتی مثل مهمانی و آشنایی‌های نامتعارف و... می‌چرخد و همه از یک کنار شناسی بلند دارند. باور نمی‌کنید «عاشقانه»، «ممنوعه»، «رقص روی شیشه» و حالا «ریکاوری» را مرور کنید.